جنایت به خاطر یک مشت تفاله چای

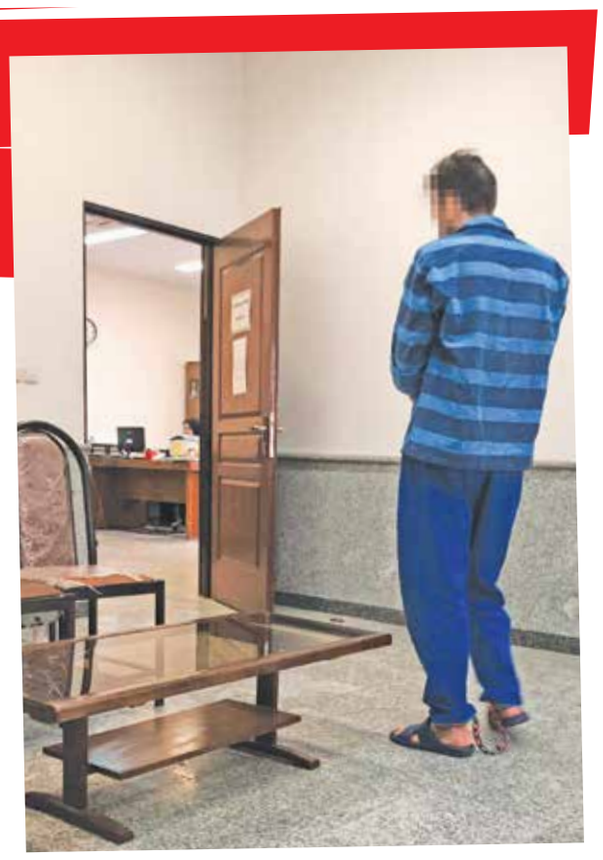

گروه حوادث/ مرد میانسال که به خاطر ریختن تفاله چای روی موتورش دست به جنایتی ناخواسته زده بود با پذیرش شرط اولیای دم از قصاص رهایی یافت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، شامگاه ۱۵ دی ۹۴ وقوع یک درگیری در خیابان احمدی به مأموران کلانتری ۱۶۱ ابوذر تهران اعلام شد.

با حضور مأموران کلانتری در محل و انجام بررسی‌های اولیه مشخص شد جوانی ۳۲ ساله به نام مهدی در جریان درگیری بر اثر اصابت ضربه چوب بیس بال به سرش بیهوش شده است. مرد جوان به بیمارستان منتقل شد اما ضربه شدید باعث مرگ مغزی او شد و اعضای بدن پسر جوان دو روز بعد از این حادثه با موافقت خانواده‌اش اهدا شد. بدنبال مرگ مهدی، موضوع به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام وعامل این درگیری به نام بهمن بازداشت شد.

مرد ۴۷ ساله در تحقیقات گفت: خانه مقتول و خانواده‌اش در طبقه دوم و سوم ساختمانی است که من هم زیر ساختمان مغازه املاکی دارم. مهدی به خاطر اینکه پله‌ها را بالا و پایین نرود از پنجره آشغال و تفاله چای را پایین می‌ریخت. چند بار درباره این موضوع به او تذکر داده بودم، اما فایده‌ای نداشت تا اینکه ساعتی قبل وقتی از داخل بنگاه به داخل خیابان آمدم، ناگهان مقداری تفاله چای روی سرم ریخت.

او ادامه داد: وقتی به بالا نگاه کردم دیدم مقتول پنجره اتاقش را باز کرده و در حال ریختن تفاله چای به داخل خیابان است. او خیلی خونسرد بود و اصلاً توجهی به این نداشت که لباس‌های مرا کثیف کرده است به همین دلیل من خیلی عصبانی شدم و به این کارش اعتراض کردم اما به جای معذرت‌خواهی شروع به داد و فریاد کرد. همین مسأله باعث مشاجره ما شد و در نهایت مهدی خودش را به طبقه پایین رساند و با هم درگیر شدیم. بعد هم مقتول به داخل مغازه‌ام رفت و یک صندلی برداشت و به طرف من حمله کرد. من هم به داخل مغازه رفتم و چوب بیسبالی که از قبل در مغازه بود، برداشتم و یک ضربه به سرش زدم که خونین روی زمین افتاد. من هرگز فکر نمی‌کردم که او با یک ضربه چوب به قتل برسد و الان هم پشیمان هستم، هر چند پشیمانی فایده‌ای ندارد. با اعتراف بهمن به جنایت، مرد میانسال به بازسازی صحنه قتل پرداخت و باتوجه به درخواست اولیای دم برای قصاص، قضات دادگاه کیفری حکم بر اعدام صادر کردند. پرونده این جنایت برای اجرای حکم به دادسرای امور جنایی تهران ارجاع شد و گروه صلح وسازش مستقر در دادسرا وارد عمل شدند. در نهایت و با چندین جلسه صلح و سازش اولیای دم تنها برای رضای خدا و به یک شرط از قصاص قاتل گذشت کردند.

شرط آنها برای رضایت به قاتل این بود که از محل زندگی آنها که در آنجا مغازه مشاور املاک داشته برود. با پذیرفتن این شرط، مرد میانسال با گذشت ۷ سال از قتل و در حالی که در چند قدمی چوبه دار قرار داشت به زندگی برگشت.

خالی کردن حساب مردم با گل فروشی در جاده بهشت زهرا

گروه حوادث/ گل فروش سیار جاده بهشت زهرا که با روش اسکیمر بیش از ۱۰ میلیارد ریال از شهروندان کلاهبرداری کرده بود، دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، از مدتی قبل تعداد زیادی از شهروندان به پلیس فتای تهران بزرگ مراجعه و مدعی شدند مبالغی به‌صورت غیرمجاز از حساب آنان برداشت شده است. پس از این شکایت‌ها موضوع در دستور کار قرار گرفت و کارشناسان پلیس فتای پایتخت تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کردند.

سرهنگ داوود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای پایتخت گفت: در تحقیقات اولیه کارشناسان پلیس فتای پایتخت مشخص شد همه قربانیان این پرونده بعد از خرید گل از یک دستفروش نزدیک بهشت زهرا «س» تهران حسابشان خالی شده و به روش اسکیمر مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند. بنابراین افسران پلیس فتای تهران بزرگ در مرحله تحقیقات پرونده متوجه شدند مجرم تحت پوشش یک گل فروش روزهای پنجشنبه و جمعه در بهشت زهرا«س» تهران مشغول کار شده و پس از کپی‌برداری کارت‌های بانکی مالباختگان به وسیله دستگاه اسکیمر اقدام به برداشت غیرمجاز از حساب بانکی آنان کرده که با بررسی‌های تکمیلی و همه جانبه و بهره‌گیری از روش‌های فنی و علمی این فرد شناسایی شد و پس از تشریفات قضایی، مجرم در حین ارتکاب جرم دستگیر و به همراه تجهیزات اسکیمر به پلیس فتا منتقل شد.

این مقام مسئول خاطرنشان کرد: متهم پس از انتقال به پلیس فتا و مواجهه با شاکی‌های پرونده و مستندات جمع‌آوری شده توسط پلیس به کلاهبرداری از حدود ۳۰ نفر با این روش به ارزش ریالی حدود ده میلیارد ریال اعتراف کرد و پرده از نحوه اقدامات مجرمانه خود برداشت. این مقام سایبری ادامه داد: شهروندان برای پیشگیری از سرقت به‌صورت اسکیمینگ، انجام عملیات بانکی و وارد کردن رمز کارت حساب بانکی را خودشان انجام دهند چرا که حتی در صورت نصب اسکیمر روی دستگاه کارتخوان، بدون اطلاع از رمز عبور، امکان برداشت از حساب شهروندان امکان‌پذیر نخواهد بود.

متهم به قتل پدر در دادگاه

قبل از قصاص حلالم کنید

گروه حوادث/ پسر معتادی که بر سر گرفتن پول مواد با پدرش درگیر شده و وی را به قتل رسانده بود، محاکمه شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۱۴۰۰ با گزارش قتل مرد سالمندی در خانه‌اش واقع در خیابان جامی تهران آغاز شد. پس از آن مأموران بلافاصله به محل اعزام شدند و در بررسی‌های اولیه مشخص شد که مقتول با ضربات متعدد چاقو توسط پسرش به قتل رسیده است.

همسر مقتول در توضیح ماجرا به مأموران گفت: پسرم میلاد از صبح با محمود همسرم بر سر پول مواد مخدر جر و بحث می‌کردند. محمود به هیچ عنوان حاضر نبود که پول به پسرم بدهد و همین موضوع سبب شد تا آنها پس از جر و بحث باهم درگیر شوند و در نهایت هم میلاد با چند ضربه چاقو پدرش را از پا درآورد و بعد هم از خانه فرار کرد. در ادامه جسد پدر به دستور مقام قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران پس از تحقیقات تخصصی موفق شدند میلاد را ردیابی و بازداشت کنند که او پس از دستگیری به صراحت اتهامش را پذیرفت.

با تکمیل تحقیقات، گزارش مأموران پلیس و نظریه پزشکی قانونی که علت مرگ را وارد کردن جسم نوک تیز و خونریزی ناشی از آن اعلام کرده بود، پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه، ۲ خواهر متهم به عنوان اولیای دم درخواست قصاص کردند و یکی از آنها به جایگاه رفت و گفت: برادرمان چند سالی بود که به مواد مخدر اعتیاد پیدا کرده بود و همیشه با پدرم به خاطر پول مواد درگیر بود و در آخر هم به همین خاطر پدرمان را بی‌گناه کشت. ما به هیچ عنوان حاضر به گذشت نیستیم.

پس از آن متهم به جایگاه رفت و ضمن ابراز ندامت گفت: من چند سال معتاد بودم و اختیارم دست خودم نبود. از صبح که بیدار می‌شدم فقط همه فکر و خیالم مواد و تهیه آن بود و هیچ وقت هم فکر نمی‌کردم که روزی قاتل پدرم شوم. وی در ادامه درباره روز حادثه توضیح داد: روز حادثه وقتی از خواب بلند شدم فهمیدم که مواد ندارم و حالم خوش نبود. ابتدا به سراغ مادرم رفتم تا از او پول بگیرم اما او پول نداد و با هم دعوایمان شد. در این میان یکی از خواهرهایم موضوع را تلفنی به پدرم گفت و او هم چند دقیقه بعد خودش را به خانه رساند. با اینکه پدرم خیلی عصبانی بود اما من نه عصبانیت او را می‌دیدم و نه ناراحتی مادرم را و تنها به فکر این بودم که به هر قیمتی شده پول مواد را به دست آورم. با این حال پدرم با داد و فریاد وارد خانه شد و فحاشی کرد آنقدر عصبانی شدم که در یک لحظه کنترلم را از دست دادم و چاقویی را که در اتاقم پنهان کرده بودم برداشتم و به گردن پدرم زدم. بعد از ترس لباس پوشیدم و از خانه فرار کردم. آن شب به خانه برنگشتم و فردای روز حادثه هم متوجه شدم که پدرم فوت کرده است. متهم در پایان گفت: از روی خواهرهایم شرمنده‌ام و حالا هم راضی‌ام که قصاص شوم فقط از آنها می‌خواهم که حلالم کنند. پس از اظهارات متهم قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

اتهام محاربه برای سارقان آرایشگاه مردانه

گروه حوادث/ ۴ مرد افغانستانی که با حمله به یک آرایشگاه مردانه، آرایشگر و مشتری‌هایش را گروگان گرفته بودند، با اتهام محاربه مواجه شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند هفته قبل مردی با پلیس تماس گرفت و از چهار سارق زورگیر شکایت کرد و گفت: مغازه آرایشگری در شرق تهران دارم، ساعتی قبل داخل مغازه‌ام بودم و چند مشتری هم نشسته بودند که ناگهان در مغازه باز شد و ۴ مرد جوان که ابتدا تصور کردم مشتری هستند وارد شدند. اما به محض ورود دو نفر از آنها با چاقو شروع به تهدید من، شاگردم و مشتری‌های مغازه کردند. این ماجرا حدود ۱۵ دقیقه طول کشید و مردان خشن ما را در مغازه حبس کردند و با تهدید گوشی‌های تلفن همراه و پول‌های نقدی را که داشتیم، سرقت کردند.

با شکایت مرد آرایشگر، پرونده‌ای در شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت تشکیل شد. در تحقیقات صورت گرفته، کارآگاهان به کارگر آرایشگاه که مردی افغانستانی بود، مشکوک شدند.

تحقیقات از نخستین مظنون این پرونده آغاز شد و او گفت: شناخت زیادی از مردان گروگانگیر ندارم اما می‌دانم پاتوق آنها کجاست. آنها ۴ ماه است که از افغانستان به ایران فرار کرده‌اند. در مدتی هم که به ایران آمدند چند باری به آرایشگاه آمده بودند. این چهار مرد در افغانستان افسر پلیس بودند اما با شروع جنگ، از کشورشان فرار کرده‌اند. آنها دو هفته در کوهستان سرگردان بوده و از طریق قاچاق‌برها به ایران آمده و در ساختمانی نیمه‌کاره کار و زندگی می‌کنند. با اطلاعاتی که کارگر جوان در اختیار مأموران قرار داد، آنها راهی ساختمان نیمه‌کاره شده و متهمان را بازداشت کردند.

متهمان در تحقیقات به جرم خود اعتراف کرده و یکی از آنها گفت: بعد از اینکه به ایران آمدیم تصمیم گرفتیم چند مغازه را سرقت کنیم تا به این طریق پولی برای خودمان دست و پا کرده و بعد به کشورمان برگردیم.

چند باری به این مغازه آرایشگری رفته بودیم و می‌دانستیم که مشتری زیاد دارد. روز حادثه قرص مصرف کرده و حالت طبیعی نداشتیم بنابراین به آرایشگاه مورد نظر رفتیم و سرقت را انجام دادیم. با گرفتن آخرین دفاع از متهمان، اتهام محاربه برای ۴ متهم خشن صادر شد. بدین ترتیب بزودی پرونده متهمان برای رسیدگی به دادگاه عمومی و انقلاب پایتخت ارسال خواهد شد و آنها محاکمه می‌شوند.

کلاهبرداری یک میلیاردی به بهانه ازدواج موقت

گروه حوادث/ دو مرد کلاهبردار که با ترفند ازدواج موقت در برنامه دوستیابی ۱۰ میلیارد ریال از مردم کلاهبرداری کرده بودند از سوی پلیس قم دستگیر شدند.

سرهنگ «علی موالی» رئیس پلیس فتای استان قم در تشریح این خبر اظهار داشت: متهمان با جلب اعتماد افراد از ۱۶ نفر به بهانه صیغه‌یابی ۱۰ میلیارد ریال کلاهبرداری کرده بودند که با تلاش‌های صورت گرفته دستگیر و در تحقیقات پلیس به جرم خود اعتراف کردند.

در موارد دیگر مجرمان اینترنتی با ترفند صیغه‌یابی و ازدواج موقت، با ارسال لینک فیشینگ برای پرداخت مبلغی ناچیز به‌عنوان حق آشنایی اقدام به سرقت اطلاعات بانکی و در نهایت برداشت غیر مجاز از حساب بانکی افراد می‌کردند.

رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات استان قم هشدار داد : کاربران توجه داشته باشند در دام تبلیغات دروغین همسریابی و صیغه‌یابی در فضای مجازی نیفتند، زیرا این صفحات کلاهبرداری بوده که در نهایت منجر به هک اطلاعات شخصی و حساب بانکی و یا کلاهبرداری ازکاربران می‌شود.

سرهنگ موالی گفت: شهروندان می‌توانند در صورت مشاهده موارد مشکوک از طریق سایت پلیس فتا به نشانی www.cyberpolice.ir بخش ارتباطات مردمی آن را ثبت کرده و از آخرین رویدادها از جمله اخبار و حوادث سایبری مطلع شوند.

سرقت خانوادگی از طلافروشی‌ها

گروه حوادث/ زوج جوان که با همدستی یک زن دیگر به شکل خانوادگی از طلافروشی‌ها طلا کش می‌رفتند، دستگیر شدند.

سرهنگ دوستعلی جلیلیان، فرمانده انتظامی شهرستان ری از انهدام این باند سرقت خانوادگی خبر داد و گفت: در پی وقوع یک فقره سرقت از طلافروشی به ارزش ۲ میلیارد ریال توسط خانواده ۳ نفره بررسی موضوع بلافاصله در دستور کار تیم عملیات کلانتری ۱۳۱ شهرری قرار گرفت. مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و بررسی‌های همه‌جانبه و فنی، دو زن و یک مرد را که دو نفر آنها زن و شوهر بودند شناسایی و در عملیاتی غافلگیرانه در یکی از محله‌های جنوب تهران دستگیر کردند.

وی تصریح کرد: متهمان در بازجویی به سرقت از طلافروشی‌ها اعتراف کردند و تحقیقات برای شناسایی دیگر جرایم احتمالی در این خصوص ادامه دارد. متهمان پس از تکمیل پرونده به دادسرا اعزام شدند.

شلیک بی دلیل در دورهمی شبانه

گروه حوادث/ مرد جوان که در یک دورهمی شبانه شرکت کرده بود در حالت مستی با شلیک گلوله یکی دیگر از میهمان‌ها را به قتل رساند و متواری شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، بامداد جمعه گزارش مرگ پسر جوانی به مأموران کلانتری ۱۱۲ ابوسعید اعلام شد و آنها نیز در تماس با بازپرس محمد حسین زارعی از قتل پسر جوانی در طبقه پنجم یک ساختمان خبر دادند.

به‌دنبال اعلام این خبر تیم جنایی راهی محل حادثه شده و در بررسی‌های اولیه صاحب خانه گفت: ساعاتی قبل با ۵ نفر از دوستانم میهمانی و دورهمی داشتیم مشروبات الکلی هم در میهمانی‌مان بود. یک دفعه یکی از دوستانم در حالت مستی اسلحه کلت کمری از جیبش درآورد و به سمت مقتول شلیک کرد. به قدری این حرکت سریع بود که اصلاً متوجه نشدیم چرا این کار را انجام داد شاید انگیزه‌اش خودنمایی بود. بعد از شلیک به این پسر ۲۲ ساله او غرق در خون روی زمین افتاد و فوت کرد. عامل جنایت و یکی دیگر از میهمان‌ها به‌دنبال کشته شدن پسر جوان از محل متواری شدند.

به دستور بازپرس شعبه اول دادسرای امور جنایی پایتخت جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات برای دستگیری عامل این جنایت ادامه دارد.

یادداشت

مجازات های نرم برای سارقان خشن

کامران علمدهی- سال‌ها پیش وقتی واژه سرقت و خفت‌گیری به گوش‌مان می‌خورد تصویری که در ذهن‌مان نقش می‌بست فردی سیاهپوش و نقابدار بود که نیمه شب آهسته و مخفیانه وارد خانه‌ای می‌شد یا در تاریکی شب از پشت سر کیف و وسایل رهگذری را سرقت کرده و می‌گریخت. اما این واژه‌ها امروزه جلوه دیگری پیدا کرده است.

حالا دیگر سارقان و زورگیران در روز روشن، بدون نقاب و ترس در کمال آرامش و در خیابانی شلوغ درهای خودرویی را که راننده‌اش پشت فرمان در ترافیک نشسته یا در حال صحبت با تلفن همراهش است باز می‌کنند یا شیشه را می‌شکنند و پس از درگیری با راننده اموالش را می‌دزدند. یا وقتی زنی تنها در خیابان راه می‌رود با خشونت تمام او را زیر مشت و لگد گرفته و با تهدید قمه و اسلحه، طلا و کیف و اموالش را می‌برند بدون اینکه کوچکترین ترحمی بر پیکر نیمه جان زنی داشته باشند که او را تا یک قدمی مرگ کشانده‌اند.

امروزه به لطف تصاویر ثبت شده در دوربین‌های مداربسته خیابان‌ها یا گوشی‌های موبایل شاهدان، فیلم این صحنه‌های خشن و ترسناک به سرعت در فضای مجازی منتشر و هرچند باعث تأسف بینندگان می‌شود اما انتشار این تصاویر نقش بسزایی در شناسایی و دستگیری این مجرمان خطرناک از سوی پلیس دارد.

بررسی این جرایم خشن به خوبی نشان می‌دهد که اغلب این مجرمان چنان بی‌محابا دست به جرم و جنایت می‌زنند که گویی نه ترسی از دستگیری دارند و نه دورنمای تاریک یا تاریک‌تری را در پس ماجرای بعد از بازداشت می‌بینند. وقاحت و جسارت مجرمان تا جایی رسیده که دیگر برایشان روز و شب و خلوتی و شلوغی معنا پیدا نمی‌کند و فقط به اهداف سوءشان می‌اندیشند. اما چرا مجرمان به چنین مرحله‌ای رسیده‌اند؟

در شرایطی که پلیس هر روزه طرح‌های مبارزه با مجرمان را برگزار می‌کند و با اقتدار و رعد و کاشف در پی انهدام و سرکوب مجرمان است اما چرا نتیجه مطلوبی عاید نمی‌شود؟ شاید یکی از دلایل آن بحث سبک بودن مجازات‌هاست. تلاش‌های شبانه‌روزی پلیس برای دستگیری مجرمان زمانی به نتیجه می‌رسد که به اصطلاح عامیانه فردای روز دستگیری متهمان را دوباره آزاد نکنند تا این چرخه معیوب مدام تکرار شود.

خلأهای قانونی شاید یکی دیگر از دلایل جری شدن مجرمان باشد. وقتی می‌گویند سارقانی که زیر ۲۰ میلیون تومان سرقت کرده‌اند با رد مال و جلب رضایت شاکی به زندان نمی‌روند و به گفته فرمانده فراجا قرار است این مبلغ به ۱۰۰ میلیون تومان نیز برسد، بی‌تردید این موضوع حاشیه امنی برای سارقان ایجاد کرده و به هراس از ناامنی برای عموم جامعه منجر می‌شود. هرچند همگان به این موضوع اعتقاد دارند که زندان نقش مؤثر و بازدارنده‌ای ندارد اما بواقع برای کسانی که در راه رسیدن به هدف‌شان از هیچ نوع خشونتی واهمه ندارند چه باید کرد؟

امروزه در کشورهای پیشرفته جهان برای کاهش وقوع جرم به مباحث روانشناختی رو آورده‌اند تا علاوه بر نظارت و برخورد سریع با مجرم به فرهنگسازی هم بپردازند.

در اینگونه موارد می‌توان به مبحث تقویت رفتار نسبی و فاصله‌ای اشاره کرد که به دو نوع ثابت و متغیر تقسیم می‌شود. در نوع تقویت رفتار نسبی ثابت مجرم به محض ارتکاب جرم بلافاصله مورد مؤاخذه و جریمه قرار می‌گیرد. به طور مثال وقتی فردی از چراغ قرمز راهنمایی عبور کرد و همان لحظه با برخورد پلیس و جریمه رو به رو شد به مرور خودش را ملزم به اجرای قانون می‌داند و به نظر می‌رسد در مقابله با جرایم این بهترین نوع برخورد است. اما در بحث تقویت رفتاری متغیر به‌عنوان مثال وقتی راننده متخلف با یک امتیاز منفی گواهینامه‌اش را از دست نمی‌دهد بلکه تکرار تخلفات حادثه‌ساز در زمان‌ها و مکان‌های مختلف منجر به ابطال گواهینامه‌اش می‌شود. البته این دو روش با وجود مثبت بودن در درازمدت نیازمند تجهیزات و نظارت لحظه‌ای از سوی طیف زیادی از مأموران است و نیاز به یک جامعه الگوریتمیک در بسیاری از جهات دارد.

در بحث تقویت فاصله‌ای ثابت و متغیر هم وضعیت به اینگونه است که اگر فرد در فواصل مختلف مرتکب جرمی می‌شود در زمان دیگری جواب می‌گیرد مثل طرح‌های پلیس که فرد ممکن است چند باری مرتکب جرم شده اما در حین برگزاری یک طرح بازداشت می‌شود. در مدل بعدی تقویت فاصله‌ای متغیر است که فرد مجرم ممکن است ۵ سال تخلف کند و کسی با او برخورد نکند اما فرد دیگری بعد از ۱۰ تخلف در طول ۳ ماه دستگیر و مورد عتاب قرار گیرد. در این مدل معلوم نیست که مجرم چه زمانی شناسایی و دستگیر شود، امری که در کشور ما در بحث متخلفان سرقت‌های خیابانی رخ می‌دهد و در نتیجه به وقاحت و جرأت سارقان می‌افزاید. وقتی به گفت‌وگوهای سارقان در سال‌های اخیر توجه کنید درمی‌یابید که اغلب آنها اظهار می‌کنند که فکر نمی‌کردیم دستگیر شویم! یا چند سالی است که سرقت می‌کنم اما این بار دستگیر شدم! یا تاکنون ۱۰۰ سرقت انجام داده‌ام؟! و... این یعنی جرأتی که به لحاظ جامعه شناختی به متهمانی داده‌ایم که آنها یا فکر می‌کنند که معلوم نیست کی دستگیر شوند یا فکر نمی‌کنند که اصلاً دستگیر شوند و همین مسأله آنان را ترغیب می‌کند که پس از ارتکاب جرم و دستگیر نشدن به مسیرشان ادامه دهند.

بحث وقوع جرایم خشن مثل کیف و موبایل قاپی، خفت‌گیری و... تنها مختص کشور ما نیست و بسیاری از جوامع با این بزه دست به گریبانند. کشورهایی که مبنای برخورد با مجرمان را بر اساس نظارت دوربین‌ها و تعدد مأموران بنا کرده بودند در سال‌های اخیر به این نتیجه رسیدند که تداوم این نوع برخورد در زمانی که مأموران حضور فیزیکی نداشته باشند و دوربین‌ها خاموش شوند، مثمرثمر نیست. مثل حمله سارقان به فروشگاهی که می‌دانند دوربین‌های آن قطع شده است. از این‌رو تصمیم گرفتند تا با فرهنگ‌سازی در کنار نظارت، مانع رشد فزاینده بزهکاری شوند.

در کشور ما هم طی سال‌های اخیر بارها در مورد فرهنگ‌سازی و احترام به قوانین بحث‌های تأثیرگذاری مطرح شده اما در عمل ما با نتیجه محسوسی مواجه نشده‌ایم. چرا که نهادها، مجموعه و سازمان‌های بسیاری از جمله، وزارت آموزش و پرورش، رسانه‌ها، پلیس، دستگاه قضایی، وزارت ارشاد و... باید در امر فرهنگ‌سازی مشارکت کنند تا به مرور زمان شاهد تأثیرگذاری و تحقق این مهم در سطح جامعه باشیم.

مرگ کارگر به خاطر پاره شدن کمربند ایمنی

گروه حوادث/ پاره شدن کمربند ایمنی یک کارگر ساختمانی حین کار در شهرک حافظیه کرمانشاه منجر به مرگ وی شد.

به گزارش ایلنا، یک کارگر ساختمانی در شهرک حافظیه کرمانشاه، هنگام کار در یک مجتمع ساختمانی، بر اثر سقوط از ارتفاع و برخورد با زمین جان باخت.

این کارگر که حدود ۲۸ سال سن داشت، به دلیل پاره شدن کمربند ایمنی از ارتفاع طبقه دوم به پایین سقوط کرده و تلاش‌های عوامل اورژانس برای نجات جان وی بی‌ثمر بوده است.